

واکاوی مفهوم «عدالت بین‌نسلی» در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

محسن محبی *

فرانک فیض‌الهی **

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2021.243887

(DOR): 20.1001.1.2251614.1400.38.65.1.8

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۶

چکیده

در طول تاریخ، «عدالت» را غایت دانش حقوق دانسته‌اند و از لحاظ ارزش‌شناسی، آن را جامع ارزش‌ها معرفی کرده‌اند. با این همه، حیطه و موضوع عدالت، کمتر به بحث گذاشته شده است. به تعبیر دیگر، عموماً عدالت را حاکم بر موضوعات و اشخاصی قرار می‌دهند که در اکنون جهان حضور دارند، اما آیا آیندگان از عدالت بهره‌ای ندارند؟ این سؤال است که «عدالت بین‌نسلی» از آن پرده برمی‌دارد. پرسش از این نوع عدالت در سالیان اخیر در پرتو پیشرفت فناوری و گسترده‌تر شدن دست بشر در طبیعت و به تبع، خطر نابودی زیست‌بوم طبیعی و انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. عدالت بین‌نسلی در تلاش است نسل کنونی را مکلف بدارد تا حق نسل‌های آینده را در منابع طبیعی و محیط‌زیست به رسمیت بشناسد و برای جهان در حال نابودی فعلی، راه چاره‌ای بیابد. البته این تلاش تا حدودی مأجور بوده و توانسته باب ادبیات ویژه‌ای را در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در نهادهای سیاسی و قضایی بین‌المللی بگشاید. با این حال، هنوز نمی‌توان چنین عدالتی را جزو قواعد لازم‌الاجرای حقوق بین‌الملل موجود (معاهداتی یا عرفی) قلمداد کرد. عدالت بین‌نسلی در بهترین حالت، آموزه‌ای است برای سوق دادن «حقوق

* دانشیار دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران sd.mohebi@gmail.com

** نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران feizollahi_rose@yahoo.com

موجود»^۱ به سمت «حقوق مطلوب»^۲ و تفسیر قواعد حقوق بین‌الملل به روش‌های منصفانه و مبتنی بر «نیازهای جامعه بین‌المللی در کل» که باید در راستای حفظ «میراث مشترک بشریت» حرکت نماید.

واژگان کلیدی

عدالت بین‌نسلی، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تعهدات عام‌الشمول، حقوق موجود، حقوق آینده

مقدمه

مفهوم عدالت در طول تاریخ، همیشه محل بحث متفکرین واقع شده و پاسخ نهایی خود را نیافته است. البته فلاسفه حقوق، همیشه به این مسئله پرداخته‌اند که هدف حقوق، رسیدن به عدالت است و از این نظر می‌توان شاهد اتفاق نظری اجمالی میان اندیشمندان بود. اما باید این اتفاق نظر ظاهری را شکافت و دید چه مباحث نظری عمیق و البته چه اختلاف‌نظرهایی در این خصوص وجود دارد. این مسئله را می‌توان به خوبی با تفکیک «مفهوم»^۳ از «برداشت»^۴ نشان داد. به تعبیر جان رالز، فیلسوف سیاست، «مفهوم» عدالت، چیزی است و «برداشت»‌های مختلف از آن چیزی دیگر.^۵ از اواخر دهه ۱۹۸۰ بود که به جهت آگاهی روزافزون از آسیب‌پذیری محیط، تهدید و تغییرات ناگهانی و گسترده محیط‌زیست توسط بشر و در نهایت، مرگ‌ومیر بشر، مفهوم عدالت بین‌نسلی مطرح شد. رویه قضایی بین‌المللی نیز به عدالت بین‌نسلی توجه و اهتمام داشته و اهمیت آن را دریافته، از جمله در قضیه قانونی بودن تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۶) و نیز در پرونده صید نهنگ قطب جنوب (۲۰۱۴) خصوصاً نظر جداگانه قاضی ترینداد، مسئله انصاف یا عدالت بین‌نسلی مورد تأکید واقع شده است و در بند ۴ زیر بررسی خواهد شد.

با توجه به تنوع تکنیک‌های جدید در بهره‌برداری از طبیعت و سلطه حرص‌آلود بیش از پیش بشر بر آن، این دغدغه پدید آمده که مبدا حرص و طمع مهارنشده آدمی، او را تا قربانی کردن محیط پیرامون خود پیش ببرد و عملاً زندگی را برای خود و حتی دیگران تنگ کند. این دغدغه که ابتدا شکل و شمایلی کاملاً نظری و آکادمیک داشت، رفته‌رفته در فضای عمومی و روشنفکری نیز خریدار پیدا کرد. حقوق بین‌الملل نیز به این دغدغه عکس‌العمل نشان داد و آن را در شمار موضوعات و مسائلی تلقی کرد که باید به آن پاسخ دهد. در بعضی آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در دهه

1. *Lega lata*: the law as it exists

2. *Lega ferenda*: future law

3. Concept

4. Conception

5. John Rawls, *A Theory of Justice*, Revised Edition, Cambridge: The Belknap Press of Harvard University Press, 1999, p. 9.

۱۹۹۰ سخن از منافع و حقوق «نسل‌های آینده»^۶ به میان آمد. این بحث به‌عنوان یکی از شاخه‌های عدالت با عنوان «عدالت بین‌نسلی» مطرح شد و این پرسش پیش آمد که آیا بهره‌برداری و استفاده از منابع محیط‌زیستی و طبیعی یا حیاتی و مزایای آن‌ها، به‌طور مطلق متعلق به نسل موجود و افرادی است که اکنون وجود دارند و زندگی می‌کنند (عدالت درون‌نسلی) یا نسل‌های بعدی و آیندگان را نیز در آن‌ها حقی است (عدالت بین‌نسلی)؟ و اگر متعلق به نسل‌های آینده نیز هست، چه سازوکار حقوقی برای تأمین و حمایت از حقوق نسل‌های آینده وجود دارد؟

با همه تلاش‌هایی که در زمینه بسط و گسترش ادبیات عدالت یا انصاف بین‌نسلی شده است، باید تصدیق کرد که این موضوع در نظریات عدالت در مکتب لیبرالیسم چندان جایی ندارد و حتی در زمانی که بحث از عدالت در جهان معاصر بسیار بالا گرفته بود (یعنی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰) نیز در ایالات متحده صرفاً یک رسالهٔ دکتری نوشته شده که دغدغه‌مند نسل آینده بوده است.^۷

گرچه عدالت یا انصاف بین‌نسلی هنوز تبدیل به اصل و قاعدهٔ منجز حقوقی نشده، موضع و نظر حقوق بین‌الملل موجود نسبت به آن همدلانه است و در چشم‌انداز حقوق بین‌الملل محیط‌زیست آینده، جایگاه خود را خواهد یافت. نوشتار حاضر می‌کوشد تا با بررسی تبار این اندیشه، ابتدا مفهوم عدالت بین‌نسلی و مبانی آن را روشن، و در ادامه، الزامات عدالت بین‌نسلی را بیان کند و سپس جایگاه آن را در دکتترین حقوق بین‌الملل معاصر و رویه قضایی بین‌المللی نشان دهد و نهایتاً حرکت آن را به سوی حقوق آینده^۸ در سلسله اصول و قواعد حقوق بین‌الملل معلوم نماید.

۱. مفهوم عدالت بین‌نسلی^۹ و مبانی آن

۱-۱. مفهوم

امروزه بشر در دورهٔ سیطرهٔ کامل فناوری، فرهنگ و محیط‌زیست و زیست‌بوم بر زمین زندگی می‌کند؛ هر آنچه آدمی اکنون انجام می‌دهد بی‌تردید در آیندهٔ او و هم‌نوعانش تأثیر می‌گذارد و می‌تواند آیندگان را در معرض خطرات جدی و جبران‌ناپذیری قرار دهد. با این همه، عموماً چنین مباحثی اساساً بی‌ربط قلمداد می‌شوند و اغلب به این بهانه که این سؤالات، نشان‌دهندهٔ مشکلات بالفعل جهان نیستند مورد طعن قرار می‌گیرند. برخی مدعی شده‌اند که این بی‌اعتنایی به عواقب

6. Future generations

۷. به نقل از مرتضوی کاخکی، مرتضی، علی اکبر ناجی میدانی، محمدحسین مهدوی عادل و محمدحسین حسین‌زاده؛ «نقد و بررسی عدالت بین‌نسلی لیبرال»، *دوفصلنامهٔ پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال نهم، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۳۲.

8. Lega ferenda

9. Intergenerational Justice (Intergenerational equity)

اَعمال اکنونیان بر زندگی آیندگان، بیشتر از سوی افرادی است که دیگر امیدی به زیست ندارند و احتمالاً سال‌های پایانی عمر خود را سپری می‌کنند و آینده را به آیندگان واگذار کرده‌اند. طبق نگرش، خط مقدم این آوردگاه در دستان نسل جوانی است که خود را در معرض تهدیدهای کنونی می‌پندارد^{۱۱} و توانسته است برای این بحث در سازمان ملل متحد نیز جایی باز کند.^{۱۱} آنچه این موضوع را به نظمی منطقی می‌کشد، مفهومی است که «عدالت بین‌نسلی»^{۱۲} یا «انصاف بین‌نسلی»^{۱۳} خوانده می‌شود و در سال‌های اخیر توانسته ادبیاتی مخصوص به خود را در رشته‌های مختلف از جمله سیاست و حقوق به خود اختصاص دهد.

به هر حال نباید از یاد برد که حقوق، همیشه نظامی هنجاری است که تضمین‌کننده اعتقادات موجود در جامعه است. بنابراین در حقوق بین‌الملل نیز تا زمانی که اندیشه‌ای وارد مجموعه «جامعه بین‌المللی» نشده باشد نمی‌تواند در نظام حقوق بین‌الملل برای خود جایی باز کند. عدالت بین‌نسلی این جایگاه را پیدا کرده اما هنوز در مراحل جنین حقوقی به سر می‌برد. به عبارت دیگر، هرچند تعهدات بین‌نسلی در کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های متعدد بین‌المللی به کار رفته است،^{۱۴} هنوز جایگاه قاعده مدون یا عرفی بین‌المللی را پیدا نکرده است.

به صورت سنتی، متفکرینی که قصد داشته‌اند پای بحث از عدالت بین‌نسلی را به نظام موضوعه حقوق بین‌الملل باز کنند، از مفهوم «انصاف» و اصول «منصفانه» کمک گرفته‌اند؛ همان اصولی که در حقوق بین‌الملل بارها برای تفسیر قواعد حقوقی مختلف به منظور رسیدن به نتیجه عادلانه مورد استفاده واقع شده است.^{۱۵} به عنوان نمونه، دیوان بین‌المللی دادگستری بارها برای حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها در تخصیص منابع، به انصاف استناد و تفسیر خود را از اصول و قواعد متصلب تعدیل و در نتیجه، نتایجی عادلانه استخراج کرده است.^{۱۶} بر اساس این تحلیل می‌توان عدالت بین‌نسلی را ابزاری تفسیری بر اساس اصل انصاف دانست که به واسطه آن، نسل کنونی باید طوری از منابع و شرایط زیست استفاده کند که حق نسل‌های بعدی و آیندگان در آن محفوظ بماند و بتوانند از آن بهره‌مند شوند. در اینجا سخن از لطف و مکرمت

10. Edith Brown Weiss, "Establishing Norms in a Kaleidoscopic World. General Course on Public International Law", *RCADI*, 2019, p. 239.

11. Kate Offerdahl, "Representing Youth and Future Generations in the United Nations", 9 May 2013, <https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/3576offerdahl.pdf>

12. Intergenerational justice

13. Intergenerational equity

14. Schrijver, Nico J. and Weiss, Friedl, *International Law and Sustainable Development: Principles and Practice (Developments in International Law)*, Martinus Nijhoff Publishers, 2004, pp. 25-37.

۱۵. درباره تفسیر تکاملی، ن.ک: محسن محبی و وحید رضادوست؛ «تفسیر تکاملی معاهدات در حقوق بین‌الملل در پرتو قضیه اختلاف در خصوص کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن (کاستاریکا علیه نیکاراگوئه)»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال سی-دوم، شماره ۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.

۱۶. مهم‌ترین نمونه و شاید نمونه اعلا و اجلا این امر را می‌توان در ماجرای فلات قاره دریای شمال (۱۹۶۹) جستجو کرد.

نسبت به آیندگان نیست، بلکه در این است که نسل کنونی نوعی «وظیفه» و «تکلیف» دارد که در بهره‌برداری از منابع محیط‌زیست، حقوق نسل‌های آینده را ملحوظ کند. در بحث حاضر، «امانت» یکی از مؤلفات ذاتی مالکیت نسل کنونی است و بدیهی است که اقتضای این «مالکیت امانی» این است که «مال مورد امانت» یعنی محیط‌زیست مشترک بشری حفظ شود و آسیبی نبیند.^{۱۷} بنابراین، عدالت بین‌نسلی در سطح بین‌المللی مستلزم آن است که امکانات مختلف این کرهٔ خاکی اعم از امکانات زیستی، جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و... از لحاظ کمی و کیفی برای نسل آینده پایدار بماند.

۱-۲. مبانی

ادیت براون ویزر به‌عنوان یکی از پیشگامان اصل عدالت بین‌نسلی در حقوق بین‌الملل، معیارها و عناصر این اصل را به‌خوبی تشریح کرده است.^{۱۸} به نظر او، معیارهای راهنمای اصل عدالت بین‌نسلی از این قرارند: نخست اینکه عدالت بین‌نسلی باید انصاف را در میان نسل‌های مختلف تشویق کند؛ دوم باید این امکان را برای نسل‌های آینده فراهم کند که خود بتوانند ارزش‌ها و اهداف خود را تعیین کنند و به منصفه ظهور بگذارند؛ سوم اینکه برای اعمال در موقعیت‌های قابل پیش‌بینی، به نحوی معقول دارای وضوح و روشنی باشد؛ و چهارم به‌طور کلی مقبول فرهنگ‌های مختلف و مطابق با نظام‌های سیاسی - اقتصادی گوناگون باشد و با شهادهای انسانی مخالف نباشد.

در کنار این چهار معیار می‌توان سه عنصر را نیز برای اصل عدالت بین‌نسلی برشمرد: (الف) «انتخاب‌های قابل مقایسه»؛^{۱۹} (ب) «کیفیت قابل مقایسه»؛^{۲۰} و (ج) «دسترسی‌های قابل مقایسه یا غیرتبعیض‌آمیز».^{۲۱} این عناصر را می‌توان در راستای معیارهای مذکور در بالا تحلیل کرد. به‌علاوه در همین راستا می‌توان گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد در خصوص نیازهای نسل‌های آینده، منتشرشده در ۲۰۱۳ را ملاحظه کرد که به تأیید «اصل بنیادین انصاف بین‌نسلی» پرداخته و سه جزء آن را متذکر شده است: حفظ انتخاب‌ها، حفظ کیفیت و حفظ دسترسی.^{۲۲} برای فهم بهتر ماجرا باید هریک از عناصر مذکور را اجمالاً بررسی و معنای آن‌ها را روشن کرد.

17. Edith Brown Weiss, "A Planetary Trust: Conservation and Intergenerational Equity", *Ecology Law Quarterly*, 1984, pp. 495 et seq.

18. Edith Brown Weiss, "Intergenerational Equity", Max Planck Encyclopedia of Public International Law (R. Wolfrum, ed.), Oxford University Press, 2012.

19. Comparable options

20. Comparable quality

21. Comparable or non-discriminatory access

22. UN Secretary-General, "Intergenerational Solidarity and the Needs of Future Generations: Report of the Secretary-General", UN doc. A/68/322, 15 August 2013.

الف. انتخاب‌های قابل مقایسه

این عنصر در تکاپوی حفظ تنوع و تکثر مبنای منابع طبیعی و میراث منابع فرهنگی است تا بدین وسیله، نسل‌های آینده، میراثی فربه و متکثر را به ارث ببرند و از طریق آن بتوانند به نیکبختی نائل آیند. این بدان معناست که از جمله باید به حفظ تنوع زیستی، استفاده از منابع سوختی قابل بازآوری، حفظ باروری خاک، ایجاد محدودیت در استفاده از سوخت‌های فسیلی و عدم ارسال گازهای گلخانه‌ای به اتمسفر روی آورد.^{۳۳} حفظ انتخاب‌ها مخصوصاً در مواردی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود که به‌عنوان اصل راهنما در جهت سازگاری با تغییرات اقلیمی به کار رود زیرا هنوز برای اندازه‌گیری تغییراتی که در این خصوص صورت می‌گیرد، هیچ ملاک دقیقی وجود ندارد و به همین جهت باید به بیشترین مراقبت‌ها همت گمارد.

ب. کیفیت قابل مقایسه

این عنصر به دنبال تضمین این امر است که زیست‌بومی که اکنون در اختیار آدمیان است با همین کیفیت در اختیار نسل‌های آینده نیز قرار گیرد. در این خصوص ممکن است گاه قسمتی از محیط‌زیست به‌واسطه اقدامات مخرب آسیب ببیند و در مقابل، قسمتی دیگر از آن، ارتقای کیفی بیابد. بنابراین، ملاک در این عنصر، رسیدن به نوعی تعادل و گرفتن میانگین است. با این حال باید دانست که این تعادل و میانگین، محدودیت‌هایی دارد: برخی از اقدامات بشر دارای آثار بلندمدت است و آسیب‌های جبران‌ناپذیری را موجب می‌شود یا جبران آن‌ها صرفاً با هزینه‌های بسیار سنگین ممکن است. به‌عنوان نمونه، آلوده‌کردن آب‌های زیرزمینی به‌سادگی قابل بازگشت نیست و اگر هم ممکن باشد، نیازمند صرف هزینه‌ها و اتخاذ تصمیم‌های اساسی است. دفع پسماندهای هسته‌ای نیز یکی دیگر از این نمونه‌ها است که علاوه بر تخریب محیط‌زیست، آسیب جدی به سلامت بشر و همچنین تولد آدمیانی ناقص‌الخلقه را در پی دارد که خود می‌تواند ناقص عدالت بین‌نسلی باشد. به‌علاوه، استفاده‌های نابه‌جا و افراطی از زمین‌های حاصلخیز یا جنگل‌های استوایی می‌تواند آن‌ها را به سرزمین‌های بایری تبدیل کند که تفاوتی با بیابان‌های بی‌آب و علف نداشته باشند و مجدداً حق آیندگان بر داشتن زندگی سالم را خدشه‌دار کنند. از همه این‌ها مهیب‌تر، مسئله تغییرات اقلیمی است که عواقب سوء‌استفاده از آن مبرهن است و مجال تفصیل نیست.

23. Edith Brown Weiss, "In Fairness to Future Generations and Sustainable Development." *American University International Law Review* Vol. 8, Issue 1, 1992, pp. 345- 351.

ج. دسترسی های قابل مقایسه یا غیر تبعیض آمیز

این عنصر به یک نسل اجازه می دهد تا به نحو معقول و بدون تبعیض از محیط زیست و منابع آن بهره مند شود تا بتواند برای زندگی و رفاه خود از آن استفاده کند و به نوبه خود، آن را به نسل های بعد منتقل کند. به عنوان نمونه، مطابق این عنصر می توان پرسید که آیا هزینه های کسب منابع زیست محیطی برای نسل های آینده با هزینه های مشابه در دوران حاضر، منصفانه و قابل مقایسه است یا نه؟ بدین ترتیب، این عنصر و متعلقات آن، ضمن تأکید بر منابع در دسترس به نحوی قابل مقایسه و غیر تبعیض آمیز، صلاهی بر اتخاذ تصمیمات مؤثر جهت حل و فصل مسائل مربوط به تغییرات اقلیمی^{۲۴} نیز هستند.

د. نسل آینده

یکی از دشواری های این معیار، تعیین مفهوم و مصداق «نسل» است. همان طور که اشاره شد، دبیرکل سازمان ملل متحد در خصوص نیازهای نسل های آینده در ۲۰۱۳ گزارشی منتشر کرد که مفهوم نسل هم در آن مطرح شده بود. در میان علمای علوم اجتماعی، هنوز در مورد معنای نسل، اتفاق نظر وجود ندارد. دایره المعارف علوم اجتماعی، نسل را این چنین تعریف کرده است: «در جمعیت شناسی، به گروهی از افراد اطلاق می شود که مرحله ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند».^{۲۵} منظور از نسل، گروهی از افراد است که در فاصله زمانی معینی به دنیا آمده اند. اصولاً مفهوم نسل در جامعه شناسی سیاسی که رفتار سیاسی را با نسل در ارتباط می داند مطالعه می شود زیرا نسل برای بیان اختلافات فردی و گروهی و نیز توضیح فرهنگ و منافع و رفتار طبقه های اجتماعی در هر زمان مشخص اهمیت دارد. منظور از «نسل»، فاصله بین تولد والدین و تولد فرزندان است که معمولاً سی سال در نظر گرفته می شود، یعنی سه نسل در صد سال یا یک قرن.^{۲۶}

با این حال، این ابهام هنوز در مورد مفهوم نسل های آینده وجود دارد زیرا امروزه طول عمر با توجه به دستاوردهای علوم جدید و فناوری های بهداشتی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه متفاوت است و طبیعتاً آیندگان نیز با پیشرفت هایی که به دست خواهند آورد، دوره زندگی طولانی تری خواهند داشت، به طوری که دوره حیات با پیشرفت فناوری متغیر است و به طور دقیق قابل تخمین و تعیین نیست. با روشن نبودن دوره حیات، مفهوم و معیار نسل آینده نیز با تردید

24. Edith Brown Weiss, "Climate Change, Intergenerational Equity, and International Law", *Vermont Journal of Environmental Law*, Vol. 9, 2008, p. 615.

25. Our Common Future, World Commission on Environment and Development, 1987, part 1.

26. ایران نژاد پاریزی، فاطمه؛ توسعه پایدار و میراث بومی - محلی در حقوق بین الملل، میزان، ۱۳۹۵، ص ۲۱.

روبه‌روست و این سؤال مطرح می‌شود که اصولاً مرز بین نسل حاضر و نسل آینده کجاست؟ آیا می‌توان همه انسان‌های زنده را در هر لحظه، نسل حاضر دانست؟

در پاسخ به این سؤال گفته می‌شود که طول حیات و موجودیت نسل‌ها مهم نیست بلکه نسل، مجموعه‌ای از افراد است که به‌طور مستمر شکل‌دهنده آن هستند. بنابراین تفاوتی بین افراد یک نسل نیست. آنچه حائز اهمیت است وجود پایدار و مستمر انسان بر روی کره زمین است که از مجموع آن، بشریت به وجود می‌آید که می‌توان آن را به رودخانه بزرگی تشبیه کرد که همواره جریان دارد و از ترکیب جریان‌های آبی، هوایی بزرگ‌تر می‌شود به طوری که نمی‌توان بین اجزای آن تفاوتی گذاشت. هرچند ابهام در مفهوم نسل‌های آینده است، بشریت همچنان به‌عنوان نسل دارنده حق شناسایی شده است.^{۳۷}

۲. الزامات اصل عدالت بین‌نسلی

برای اینکه اصل عدالت بین‌نسلی در حقوق محیط‌زیست، تبدیل به تعهد الزام‌آور شود باید وارد عرصه حقوق بین‌الملل (معاهداتی یا عرفی) شود و جایگاه خود را در بین اصول پایه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست پیدا کند. مقدمه لازم برای جذب عدالت بین‌نسلی در حقوق بین‌الملل آینده، سازگارشدن آن با اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در وضعیت فعلی و موجود و به‌ویژه با سه اصل مهم آن است.

۲-۱. همکاری بین‌الدولی

اصل همکاری یکی از اصول پایه در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است که در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی پذیرفته شده است و به چند مورد آن در زیر اشاره می‌شود. معاهدات بین‌المللی متعددی در حوزه محیط‌زیست، ضرورت همکاری بین دولت‌ها را پیش‌بینی کرده‌اند. بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی ۱۹۷۹^{۳۸} چنین اشعار می‌دارد: «طرف‌های متعاقد باید ترتیبات و اقدامات لازم و مقتضی را جهت حفاظت از این قبیل گونه‌ها و زیستگاه‌های آنان به‌صورت انفرادی یا با همکاری دیگران انجام دهند». در بند ۲ همان ماده آمده است که: «اعضا باید تحقیقات مربوط به گونه‌های مهاجر را ارتقا داده، در آن همکاری و از آن حمایت کنند». همچنین در ماده ۱۹۷ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲^{۳۹} تصریح

۳۷. پورهاشمی، سیدعباس، فرهاد دبیری، یلدا خلعتبری و سحر زارعی؛ «شکل‌گیری و توسعه مفهوم حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره ۱۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، صص ۱۶۶-۱۶۵.

۳۸. Convention on the Conservation of Migratory Species of Wild Animals CMS-BON(1979)- ArticleII-Section 1.

۳۹. United Nation Convention on the Law of the Sea. Article 197, p. 102.

شده است که: «دولت‌های عضو مکلف‌اند به منظور حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی، بر یک مبنای جهانی و عندالافتضا منطقه‌ای، به‌طور مستقیم یا از طریق سازمان صلاحیت‌دار بین‌المللی، برای وضع و تهیه قواعد، معیارها و روش‌ها و رویه‌های توصیه‌شده بین‌المللی منطبق بر این کنوانسیون، با در نظر گرفتن ویژگی‌های منطقه همکاری کنند». علاوه بر آن، ماده ۲ کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه اوزن^{۳۰} ۱۹۸۵ تحت عنوان مقررات عمومی چنین بیان می‌دارد که: «همکاری میان اعضا باید از طریق مشاهدات، پژوهش و مبادله اطلاعات به‌طور منظم جهت فهم بهتر و ارزیابی اثرات فعالیت‌های انسان بر لایه اوزن و اثرات تغییرات لایه اوزن بر سلامت انسان و محیط‌زیست، اتخاذ تدابیر مناسب و همکاری در هماهنگ‌سازی خط‌مشی‌های شایسته جهت کنترل فعالیت‌های انسانی که یقیناً یا احتمالاً موجب اثرات سوء بر لایه اوزن هستند، همکاری در تدوین اقدامات و رویه‌ها به منظور تصویب پروتکل‌ها، همکاری با ارگان‌های ذی‌صلاح بین‌المللی جهت اجرای مؤثر این کنوانسیون انجام شود و ...» از طرفی ماده ۴ همین کنوانسیون،^{۳۱} بر همکاری در زمینه‌های حقوقی، علمی و فنی نیز تأکید کرده است. همچنین ماده ۱۰ کنوانسیون بازل^{۳۲} ۱۹۹۲ در مورد کنترل نقل و انتقال برون‌مرزی مواد زاید خطرناک و دفع آن‌ها تصریح می‌کند: «اعضای کنوانسیون باید به منظور بهبود و اداره صحیح زباله‌های مضر و سایر انواع زباله از لحاظ زیست‌محیطی با یکدیگر همکاری کنند». بند ۵ ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۹۲ سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی^{۳۳} با این عبارات به اصل همکاری بین‌المللی پرداخته است: «کشورهای توسعه‌یافته باید تمامی اقدامات لازم را به منظور ترغیب، تسهیل و تأمین اعتبار، انتقال یا دسترسی به آگاهی‌ها و فناوری کامل و معقول زیست‌محیطی به سایر اعضا به‌ویژه کشورهای درحال توسعه جهت ارتقای توان آن‌ها انجام دهند. همچنین باید از توسعه و ارتقای فناوری‌ها و قابلیت‌های کشورهای درحال توسعه حمایت کنند. این ماده، بر همکاری از طریق تبادل اطلاعات علمی و فناوری تأکید کرده است. علاوه بر آن، طبق ماده ۵ کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۸۲:^{۳۴} «هریک از کشورهای عضو باید برای حفظ و استفاده پایدار از تنوع زیستی همکاری کنند». ماده ۱۸ این کنوانسیون^{۳۵} به همکاری‌های فنی و علمی میان اعضا اشاره دارد. همچنین مطابق ماده ۲۰ کنوانسیون مزبور،^{۳۶} «کشورهای توسعه‌یافته باید منابع مالی جدید و اضافی را فراهم کنند تا کشورهای درحال توسعه بتوانند تمامی فرآیندهای افزون بر موارد

30. Vienna Convention for the Protection of the Ozone Layer, 1985. Article II.

31. *Ibid.*, article 4.

32. Basel Convention on the Control of Transboundary... Article 10.

33. UN Framework Convention on Climate Change (UNFCCC). Article 4, Section 5.

34. CBD, *op.cit.*, Article 5.

35. *Ibid.*, Article 18.

36. *Ibid.*, Article 20.

مورد توافق را در مورد اقدامات لازم، مطابق با تعهدات این کنوانسیون تأمین نمایند.^{۳۷}

۲-۲. زمان‌مندی

منظور از زمان‌مندی یا حقوق بین‌زمانی^{۳۸} این است که تصمیمات امروزه درباره محیط‌زیست باید در پرتو حفظ و رعایت منافع آیندگان باشد. عنصر زمان، یقیناً بخش مهمی از اعمال پیشگیرانه حفاظت از محیط‌زیست و اجرای اصل عدالت بین‌نسلی است و در بسیاری از اسناد بین‌المللی بر آن تأکید شده است. ربط عنصر زمان در حفاظت از محیط‌زیست، ابتدا در دومین کنفرانس اقلیم در ژنو در ۱۹۹۰ ذکر شد.^{۳۹} در این کنفرانس مطرح شد که برای دستیابی به توسعه پایدار در سراسر جهان باید اقدامات پیشگیرانه در زمینه چالش اقلیم پیش‌بینی و در همین راستا اقدامات مهم و ضروری اتخاذ شود و عوامل تخریب محیط‌زیست که نتایج آن در تنزل کیفیت محیط‌زیست و تغییرات اقلیمی بارز است به حداقل رسانده شود. می‌توان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حقوق نسلی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از اصل زمان‌مندی یاد کرد.

به هر حال، مفهوم عدالت بین‌نسلی می‌تواند با اصل زمان‌مندی هماهنگ شود زیرا اصل زمان‌مندی در استفاده از محیط‌زیست، ناظر به رابطه بین نسل‌های حاضر، گذشته و آینده، در خلال زمان است و با افزایش تعداد توافقات، اعلامیه‌ها، منشورها و قطعنامه‌هایی که بازتاب چنین دغدغه‌ای است، اصول و چاره‌جویی را برای حفظ و ارتقای رفاه نسل‌های آینده به وجود آورده است.

۲-۳. اصل احتیاط و پیشگیری

اصل احتیاط یکی از اصول مهم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است. در واقع، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌عنوان یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی، بیش از هر چیز مبتنی بر حقوق پیشگیرانه و احتیاطی است. از این منظر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را می‌توان حقوق جامعه جهانی دانست که با تدوین، تصویب و اجرای قواعد و مقررات محیط‌زیستی، در صدد حفظ محیط‌زیست جهانی با تأکید بر رهیافت احتیاطی است. محیط‌زیست مرز نمی‌شناسد و آلودگی و تخریب در هر نقطه می‌تواند سبب اختلال در محیط‌زیست جهانی شود. از این رو سرنوشت مشترک بشریت به یکدیگر وابسته بوده و نمی‌توان به آسیب‌ها و تخریب‌های محیط‌زیستی از

^{۳۷} پورهاشمی، سیدعباس، سحر زارعی و یلدا خلعتبری؛ «بررسی جایگاه اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۳۹، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۶۶-۶۷.

38. Intermediate

39. French, Duncan and Kotzé, Louis J., *Sustainable Development Goals: Law, Theory and Implementation*, Edward Elgar Publishing, 2018, p. 121.

قبیل نابودی جنگل‌ها، آلودگی آب، هوا، خاک و غیره، تنها از بُعد ملی و داخلی نگریست.^{۴۰} اعلامیهٔ وزرای امور خارجهٔ هفت کشور صنعتی جهان (گروه هفت) در ژوئیه ۱۹۹۰ در مورد تغییرات جوی توضیح می‌دهد که «در مقابله با تهدیداتی که دارای خسارت‌های غیرقابل جبران به محیط‌زیست باشد، عدم قطعیت علمی، دلیل و عذری برای تأخیر و تعلل در اقدام در قبال نسل‌های آینده نیست». کمیسیون اقتصادی اروپایی سازمان ملل متحد در اجلاس وزرا در مه ۱۹۹۰ در برگن اعلام داشت: «در مواردی که تهدیداتی در مورد خسارت‌های جدی یا جبران‌ناپذیر وجود دارد، عدم قطعیت کامل علمی در تحقیقات ذی‌ربط، به تعویق‌انداختن اقدامات پیشگیرانه از تخریب محیط‌زیستی را توجیه نمی‌کند».^{۴۱}

باید گفت دیدگاه انسان‌محور که هدف اصلی حفظ محیط‌زیست را حفظ منافع بشری می‌داند، موجب شکل‌گیری رویکرد حقوق بشری در حفظ محیط‌زیست شده و به همین سبب است که حفظ محیط‌زیست سالم و ذی‌حق قرارگرفتن بشریت، اعم از نسل فعلی و نسل آینده نسبت به آن یعنی عدالت بین‌نسلی از پشتوانهٔ حقوق بشری نیز برخوردار است و در حقوق بشر نسل سوم یا همان حقوق همبستگی ظهور و بروز پیدا کرده است.^{۴۲}

این اصل که در حقیقت، سنگ بنای توسعهٔ حقوق بین‌الملل محیط‌زیست محسوب می‌شود، منشأ اصول ۲۱ اعلامیهٔ/ستکهلم^{۴۳} و ۱۲ اعلامیهٔ ریو^{۴۴} به شمار می‌رود و نشانگر عبور از حقوق بین‌الملل عام مبتنی بر جبران خسارت به سمت شکل‌گیری قواعد خاص مربوط به حمایت از محیط‌زیست به‌ویژه اصل موسوم به «تعهدات بین‌نسلی» است.

۲-۴. توسعهٔ پایدار زیست‌محیطی

به‌طور کلی اصل تعهدات بین‌نسلی تحت‌الشعاع اصل توسعهٔ پایدار مطرح شده و با آن ارتباط وثیق دارد. مفهوم توسعهٔ پایدار در «گزارش آیندهٔ مشترک ما» از کمیسیون ملل متحد در محیط‌زیست و توسعهٔ ۱۹۸۷ (کمیسیون برونتلند)،^{۴۵} به‌روشنی بیان شده است: «توسعه‌ای که

۴۰. پورهاشمی، سیدعباس و علی زارع؛ «بررسی اصل احتیاطی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، *دانشنامهٔ حقوق و سیاست*، شمارهٔ ۲۳، بهار ۱۳۹۴، ص ۱۱۸.

۴۱. کک‌دین، نگوین، پاتریک دیبه و آلن پله؛ *حقوق بین‌الملل عمومی*، ترجمه، مقدمه و پیوست‌ها: حسن حبیبی، اطلاعات، ۱۳۸۲، جلد دوم، صص ۹۴۶-۹۴۵.

۴۲. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و حسن شفیق‌فرد؛ «توسعهٔ پایدار و حق بر محیط‌زیست سالم: چشم‌انداز نسل‌های آینده»، *فصلنامهٔ سیاست جهانی*، دورهٔ پنجم، شمارهٔ اول، بهار ۱۳۹۵.

43. Stockholm Declaration, *op.cit.*, Article 21.

44. CBD. *op.cit.*, Article 12.

45. Brundtland, G., *Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future*. United Nations General Assembly document A/42/427, 1987.

پاسخگوی نیازهای نسل حاضر، بدون به‌خطرانداختن ظرفیت‌ها و نیازهای نسل آتی باشد».^{۴۶} همچنین در بیانیهٔ دهلی نو (۲-۶ آوریل ۲۰۰۲)^{۴۷} دربارهٔ اصول قوانین بین‌المللی مربوط به توسعهٔ حقوق بین‌الملل و هدف توسعهٔ پایدار آمده است: «رویکرد جامع و یکپارچه‌ای به فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که با هدف استفادهٔ پایدار از منابع طبیعی و زمین صورت می‌گیرد و به حفاظت از محیط‌زیست، زندگی انسان و همچنین توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی بستگی دارد و در پی تحقق‌بخشیدن حق همهٔ انسان‌ها به استاندارد زندگی مناسب بر اساس فعالیت‌هایشان، مشارکت آزاد و معنی‌دار در توسعه و توزیع عادلانهٔ منافع حاصل، با توجه به نیازها و منافع نسل‌های آینده است».^{۴۸} گزارش بروتلند نتایج مهمی داشت. تهیهٔ کنوانسیون و اعلامیه از نتایج این گزارش بود. در این میان، قطعنامه‌ای موسوم به قطعنامهٔ استراسبورگ ۱۹۷۵ که مؤسسهٔ حقوق بین‌الملل صادر کرد نیز شایان توجه است. ماده ۳ این قطعنامه، هدف اصلی توسعهٔ پایدار را حفاظت از محیط‌زیست در کنار امر توسعه بیان می‌کند.^{۴۹} روی هم‌رفته می‌توان موضوع اصلی توسعهٔ پایدار را برقراری تناسب در توسعه و ایجاد روابط احسن با محیط‌زیست دانست که هدف اصلی آن، حفظ منافع نسل‌های آینده، در کنار تأمین نیازهای نسل حاضر باشد. پیداست یکی از الزامات توسعهٔ پایدار، پایداری و احترام به تعهدات بین‌نسلی در محیط‌زیست و تحقق اصل عدالت بین‌نسلی است.^{۵۰}

۳- عدالت بین‌نسلی در دکترین و رویه قضایی بین‌المللی

۳-۱. در دکترین

مفهوم مشارکت همهٔ نسل‌ها در ثروت‌های طبیعی همواره مورد توجه اندیشمندان و فیلسوفان بوده است. مثلاً می‌توان در رسالهٔ صلح پایدار و اندیشه‌های کانت نیز سراغی از آن گرفت: «عجیب است که نسل‌های کهنسال‌تر همواره به‌خاطر نسل‌های جوان‌تر این دغدغه را دارند که

۴۶. در همین گزارش نیز یکی از شاخص‌های توسعهٔ پایدار، تعهدات بین‌نسلی ذکر شده بود به نحوی که تصریح شده بود: «نسل امروز نباید هزینهٔ زندگی خود را بر آیندگان تحمیل کند بلکه هم نسل‌های امروز و فردا و هم اعضای نسل امروز همگی به‌صورت برابر از حق بهره‌مندی و کاربری منابع زیست‌محیطی برخوردارند». دبیری، فرهاد، سیدعباس پورهاشمی و فخرالضحی روستا؛ «بررسی اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با نگاهی به توسعهٔ پایدار»، فصلنامهٔ علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دورهٔ یازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸، ص ۲۲۵.

۴۷. Dehli Declaration on Principles of International Law Relation to Sustainable Development, April 2002.

۴۸. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و حسن شفیق‌فرد؛ «توسعهٔ پایدار و حق بر محیط‌زیست سالم: چشم‌انداز نسل‌های آینده»، فصلنامهٔ سیاست جهانی، دورهٔ پنجم، شمارهٔ اول، بهار ۱۳۹۵، ص ۲۴۲.

۴۹. The Strasbourg Resolution 1975, Article 3, about Final Resolution of the Economic Committee.

۵۰. ایران‌نژاد پاریزی، فاطمه؛ توسعهٔ پایدار و میراث بومی - محلی در حقوق بین‌الملل، میزان، ۱۳۹۵، ص ۲۱.

سازوکاری را ایجاد کنند که آن‌ها را در مسیر طبیعت، یک گام به پیش بکنند، در صورتی که تنها آخرین نسل است که می‌تواند از بخت زندگی در چنان محیطی بهره‌مند شود؛ منزلگاهی که سلسله‌ای از پیشینیان آن را ساخته‌اند اما خود قادر به مشارکت در لذت از آن نبوده‌اند.^{۵۱} علت این ابهام آن است که اصل عدالت بین نسلی در وهله اول صرفاً حفاظت اخلاقی از محیط زیست تلقی می‌شود در صورتی که می‌بایست به حقوق و تعهدات قانونی تبدیل شود.^{۵۲} به هر حال، ورود آن به مباحث حقوقی مربوط به بعد از جنگ جهانی دوم است.

عدالت بین نسلی بیشتر بین فیلسوفان سیاسی خصوصاً اصحاب لیبرالیسم سیاسی مورد بحث و نظریه پردازی قرار گرفته است. در بین آن‌ها به نظرات سه تن که بیشتر به بحث حاضر مربوط است اشاره می‌شود.

الف. دیدگاه جان رالز

جان رالز در کتاب معروف *تئوری درباره عدالت* به عدالت بین نسلی اشاره می‌کند. او در تئوری خود توضیح می‌دهد که عدالت بین نسلی از دیدگاه اصل، «صرفاً ذخیره» است. تأکید تمرکز او بر اصل «صرفاً ذخیره»، برای توجیه عدالت بین نسلی، استدلال او را در نگاه اول تضعیف و محدود می‌کند، اما تئوری «صرفاً ذخیره»، نقش مهمی در حفظ محیط زیست و رعایت عدالت بین نسلی دارد زیرا به موجب آن، هر زمان که سرمایه لازم برای این مقصود به دست آمد، میزان ذخیره تا صفر نیز می‌تواند کاهش پیدا کند.^{۵۳} به این ترتیب رالز برای استفاده از منابع محیط زیست در طول زمان و توسط نسل‌های آینده، بر عنصر زمان تأکید می‌کند. وی می‌گوید: همین که اهداف مورد نظر در بهره‌برداری از منابع حاصل شد، آن منابع باید برای نسل‌های بعدی ذخیره شود.

موضوع عدالت نسبت به نسل‌های آینده در تئوری جان رالز نتوانسته مفهوم واقعی عدالت بین نسلی را بیان کند. مشکل این تئوری از آنجا آغاز می‌شود که در حقیقت این نظریه غیرزمان‌مند است.^{۵۴} او موقعیت مفاهیم اصلی و انتزاعی را به نحوی بیان می‌کند که در مفهوم خود ساکن است و می‌تواند فقط در مفهوم تشبیهی خود تحت عنوان «بعداً» نام بگیرد، یا تمام طول عمری که فرد در یک وضعیت در جامعه گذرانده است. رالز در راستای بسط تئوری خود در مورد نسل‌های آینده، دورنمایی از چند نسل را نشان می‌دهد و در مورد شماری از ناپایداری‌ها

51. Ernest Partridge, *Responsibilities to Future Generations: Environmental Ethics*, Prometheus Books, 1980, p. 89.

52. Islam, Nahid, *The Law of Non-navigational Uses of International Watercourses: Options for Regional Regime – Building in Asia*, Kluwer Law International, 2010, p. 203.

53. See: Rawls, 1999, *op. cit.*

54. Roemer, J. and Suzumura, K., *Intergenerational Equity and Sustainability*, Palgrave Macmillan UK, 2007.

سخن می‌گوید.

تلقی رالز از مسئله عدالت بین‌نسلی، به همان اصل «صرفاً ذخیره» محدود شده است. او توضیح می‌دهد که سرمایه‌های زیست‌محیطی در مقایسه با مجموعه دارایی‌ها و سرمایه‌های جامعه، دسته‌بندی جدایی‌ناپذیری نمی‌شود و همه در یک مجموعه قرار می‌گیرد. در اینجا رالز به صورت ضمنی پذیرفته است که انواع مختلف سرمایه‌های جامعه از جمله محیط‌زیست، جبران‌پذیر هستند. شاید بتوان گفت استدلال وی بر اصل پایداری منابع بنا شده است که برای منابع زیست‌محیطی کافی به حساب نمی‌آید.

ب. دکترین آدام اسمیت^{۵۵} و ارتباط آن با اصل عدالت بین‌نسلی

تجارت آزاد، اصل بنیادین تمام تحولات سیاسی و حقوقی در قرن نوزدهم بریتانیا محسوب می‌شود. با این حال، ریشه‌های آن را می‌توان تا متفکران قرن هجدهم یعنی آدام اسمیت و توماس مالتوس^{۵۶} عقب برد. آدام اسمیت به دنبال این بود که مفهوم تجارت آزاد را نهادینه و تبیین کند. وی نخستین بار در کتاب ثروت ملی^{۵۷} که در ۱۷۷۶ به چاپ رسید، مسئله تجارت آزاد را مطرح کرد. سخن اصلی او در این کتاب، ضرورت اصلاح اقتصادی در بریتانیا و مستعمرات آن بود.^{۵۸} اسمیت، اقتصاد سیاسی را شاخه‌ای از دانش سیاست‌مداران یا قانونگذاران می‌دانست و اصل تجارت آزاد را به‌عنوان مبنای فلسفی دولت و وظایف و اختیارات آن مطرح کرد.^{۵۹} رویکرد اصلی او درباره دولت، تحت تأثیر اندیشمندان فرانسوی بود و از این‌رو از مقررات تجاری بریتانیا و روابط استعماری آن دولت با امریکا به شدت انتقاد می‌کرد.^{۶۰} او منتقد دخالت دولت در روابط تجاری بود و آن را خلاف اصل کلی سرعت در نظام تجاری می‌دانست. از سوی دیگر به عقیده او، ورود دولت به عرصه تجارت و اقتصاد، مانع رقابت و باعث کاهش سود و در نتیجه، صدمه به انگیزه فعالیت اقتصادی می‌شود.^{۶۱} با این حال، دفاع او از نظام اقتصاد لیبرال با دو مشکل اساسی و عمده روبه‌رو شد. اول، عدم توانایی قانونگذار برای اتخاذ بهترین شیوه جهت جلوگیری از دخالت منافع خصوصی در منفعت عمومی و دوم، گرایش تصمیم‌سازان اقتصادی دولت برای انحصارگرایی و همچنین استفاده از منابع طبیعی از جمله جنگل‌ها به شیوه‌ای که مطلوب دولت است (بدون توجه به نسل‌های آینده).^{۶۲} به نظر او مشکل دوم فوری‌تر و مهم‌تر است زیرا انحصارطلبی که تولیدکنندگان کالاها و خدمات در بخش‌های مختلف اقتصاد از جمله

55. Adam Smith

56. Thomas Robert Malthus

57. The Wealth of Nations

58. Smith, Adam, "The Wealth of Nations Books IV-V", London: Penguin Books, 1999.

59. Williams, David. "Adam Smith and Colonialism." *Journal of International Political Theory* Vol. 10, Issue 3 (October 2014): pp. 283-301. <https://doi.org/10.1177/1755088214539412>.

60. Smith, *op.cit.*, at 5.

61. *Ibid.*, at 94.

62. *Ibid.*, at 72, 118.

در بخش کشاورزی دنبال می کنند، موجب افزایش و تکثیر آن ها می شود و منافع مشترک و هم راستا با دولت پیدا می کنند و در بسیاری از موارد مانع قانونگذاری صحیح در این زمینه می شوند.^{۶۳} *آدام اسمیت* همچنین عقیده داشت که کشاورزی در سطح کلان موجب از بین رفتن و تخریب منابع طبیعی شده و می شود.

از نظرات *آدام اسمیت* می توان دریافت که هم راستا شدن تولیدکنندگان کشاورزی با دولت عملاً مانع اتخاذ رویکرد پایدار قانونگذاری در زمینه حفاظت از منابع طبیعی و رعایت عدالت بین نسلی می شود. نظرات و یافته های *آدام اسمیت* از همین منظر با اصل عدالت بین نسلی در حفاظت از محیط زیست ارتباط پیدا می کند.

ج. نظریه مالتوس و اصل جمعیت^{۶۴}

این ایده که تخریب محیط زیست، نتیجه اجتناب ناپذیر قوانین طبیعی است، نظریه ای است که از سوی *توماس مالتوس* در اثری تحت عنوان *رساله ای راجع به اصل جمعیت*^{۶۵} مطرح شد. نظریه او در توسعه اقتصاد سیاسی، مبتنی بر ضرورت توجه دولت به فقرا و محرومین در انگلستان و مستعمرات آن و ارتباط آن با مسئله قحطی است. بر مبنای دیدگاه *مالتوس*، قوانین طبیعی بر روابط بین جمعیت و امرار معاش حاکم است، علت فقر، خشکسالی و قحطی است چون جمعیت، بیشتر از ظرفیت مولد زمین رشد و توسعه پیدا می کند، و رشد غیرقابل کنترل جمعیت،^{۶۶} بیشتر از هر سازوکار دیگر اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی، موجب مشکلات مربوط به امرار معاش می شود. محدودیت ها بر امنیت غذا طبیعی است.

۲-۳. رویه قضایی

برخی مراجع بین المللی از جمله دیوان بین المللی دادگستری، دیوان بین امریکایی حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر با برخی قضایایی که به حق های نسل های آینده مربوط بوده سروکار داشته اند. در نوشتار حاضر به دلیل اهمیت و نقش قاعده سازی دیوان بین المللی دادگستری

63. *Ibid.*, at 49, 119.

64. The Principle of Population

65. Malthus, Thomas Robert, Niall O'Flaherty, Deborah Valenze, E. A. Wrigley, Kenneth Binmore, and Karen O'Brien. *An Essay on the Principle of Population: The 1803 Edition*. Edited by Stimson Shannon C. New Haven; London: Yale University Press, 2018. Accessed August 23, 2021. <http://www.jstor.org/stable/j.ctv1bvnf95>.

66. واژه جمعیت به مجموع مردمانی اطلاق می شود که در سرزمینی مشخص زندگی می کنند. به بیانی روشن تر به تجمعی از افراد انسانی که در یک محدوده جغرافیایی به طور مستمر به شکل خانوار یا خانواده زندگی می کنند جمعیت گویند. واژه محدوده و مکان جغرافیایی در این معنی به بخشی از فضای جغرافیایی گفته می شود که از سوی فردی یا گروهی اشغال شده است و در آن روابط اجتماعی شکل می گیرد. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه، ن.ک: رونالد جان جانستون؛ مسئله جا و مکان جغرافیایی، تفحص در جغرافیایی انسانی، ترجمه: جلال تبریزی، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹، صص ۹ و ۱۰.

به‌عنوان رکن اصلی قضایی جامعه بین‌المللی، به رویه قضایی آن پرداخته می‌شود. قبل از شروع بحث باید دو نکته را یادآوری کرد. اول، رویه قضایی نقش منحصر به فرد در حقوق بین‌الملل دارد زیرا دیوان با تفسیری که از قواعد موجود به دست می‌دهد و خصوصاً با نحوه تطبیق قاعده به مصداق (موضوع هر دعوا) زمینه‌ساز ورود قواعد جدید در حقوق بین‌الملل نیز هست.^{۶۷}

دوم، نظام حقوق بین‌الملل پراکنده است یعنی مجمع قانونگذاری ندارد و منابع آن به‌طوری که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری آمده، به منابع اصلی و فرعی تقسیم شده و سلسله‌مراتب وجود ندارد. در واقع حقوق بین‌الملل بیش از هر چیز به رویه قضایی استوار و به آن وابسته است، به این معنی که رویه مراجع قضایی مهم، هم قاعده‌سازی می‌کند (قاعده «کنترل مؤثر»^{۶۸} در مورد انتساب در مسئولیت بین‌المللی دولت، در رأی نیکاراگوئه توسط دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح و مستقر شده و قاعده «کنترل کلی»^{۶۹} در رأی تادیچ توسط دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی مطرح شد و به حقوق بین‌الملل راه یافت) و هم مفهوم قواعد ساخته‌شده قبلی را تفسیر و رفع ابهام می‌کند. گرچه رویه قضایی به‌طور سنتی از جمله ابزارهای فرعی برای احراز منابع حقوقی بین‌المللی دانسته می‌شود، در مقام تفسیر حقوق بین‌الملل، از بیشترین اهمیت برخوردار است زیرا ناظر و شامل تمام منابع مادی و رسمی حقوق بین‌الملل (یعنی عرف‌ها و معاهدات) است. بنابراین، بهترین راه برای شناسایی عدالت بین‌نسلی در منظومه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌عنوان قاعده موجود یا قاعده در حال شدن، مراجعه به آرای صادرشده در این زمینه است. علاوه بر این، چنان که رایج است، قضات مراجع بین‌المللی، نظرات موافق، مخالف و مستقل خود را نیز ضمیمه آرا می‌کنند و منظومه حقوق بین‌الملل را غنا می‌بخشند. این نظرات صرفاً بیان نظرات قاضی یا قضات دیوان نیستند بلکه در تولید دکترین و ارتقای آن و نیز در شکل‌گیری رویه بعدی مراجع بین‌المللی به‌جد ایفای نقش می‌کنند.

نخستین مسئله در مراجع بین‌المللی، امکان اقامه دعوا است. اصولاً در حقوق بین‌الملل تنها دولت‌ها هستند که چنین امکانی دارند. حق اقامه دعوا صرفاً در اختیار دولتی است که نفعی در طرح دعوا دارد (از نقض حقوق بین‌الملل متضرر شده یا خواهان تفسیر است). در مورد نقش دیوان در تبدیل عدالت بین‌نسلی به یک قاعده حقوقی می‌توان استدلال کرد که دولت‌ها در مواردی که امکان حق اقامه دعوا در مراجع بین‌المللی دارند، نه‌تنها می‌توانند این حق را در خصوص اتباع کنونی و موجود خود به فعلیت برسانند، بلکه می‌توانند آن را در مورد اتباع آینده که هنوز متولد نشده‌اند نیز به‌کار گیرند. این مسئله تا اندازه‌ای است که به اقامه دعوا در خصوص مسائل

۶۷. تقریرات دکتر محسن محبی، درس تحلیل محتوای آرای قضایی بین‌المللی، بهمن ۱۳۹۵ (نسخه موجود نزد نویسنده)

68. Effective control

69. Overall control

عام‌الشمول (*erga omnes*) مربوط می‌شود. مفهوم تعهدات عام‌الشمول نخستین بار در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه *بارسلونا تراکشن* حل شده است.^{۷۰} بر اساس این رأی، دولت‌ها می‌توانند در مورد مسائلی نیز طرح دعوا کنند که لزوماً به نفع شخصی آن‌ها مربوط نیست و بلکه به جامعه بین‌المللی در کلیت خود مربوط می‌شود.

افزون بر این، سال‌ها بعد، مفهوم مسئولیت دولت (خاطی) در برابر «دولت غیرزیان‌دیده» در ماده ۴۸ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) نیز مطرح و پذیرفته شد. به عبارت دیگر در صورت نقض و تخلف از حقوق بین‌الملل توسط هر دولتی، حتی دولتی که مستقیماً از آن تخلف خسارتی ندیده نیز (البته در صورت وجود مرجع صلاحیت‌دار) می‌تواند به مسئولیت دولت خاطی استناد و حتی علیه او طرح دعوا کند. در واقع ماده ۴۸ به دولت یا دولت‌های ثالث اجازه می‌دهد تا به مسئولیت دولت متخلف که تعهدات خود را در برابر جامعه بین‌المللی (به‌عنوان یک کلیت مستقل از دولت‌های عضو) نقض کرده استناد کند.^{۷۱} در اینجا حق دولت برای استناد به مسئولیت دولت خاطی، به‌خاطر زیان‌دیدگی او نیست، بلکه به دلیل اهلیت او به‌عنوان عضو جامعه بشری بین‌المللی است. به هر حال، هدف از ماده ۴۸ در واقع اثربخشیدن به یافته مهم دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه *بارسلونا تراکشن* بود که بیان می‌داشت در مورد حمایت از «تعهدات دولت در برابر جامعه بین‌المللی به‌عنوان یک کل» تمامی دولت‌ها را می‌توان به‌خاطر اهمیت حقوق مذکور دارای نفع قانونی دانست. از جمله مصادیق آن، نقض تعهدات مربوط به قواعد آمره یا تعهدات عام‌الشمول و حقوق نسل‌های آینده در محیط‌زیست است. البته این مسئله لزوماً با مسئله اقامه دعوا به نمایندگی از آیندگان مطابقت ندارد. به همین جهت، آن دسته از حق‌های نسل‌های آینده که مشمول تعهدات عام‌الشمول نمی‌شود همچنان در هاله‌ای از ابهام مانده است و صرفاً در حد طرح مسائل نظری است.

در رویه‌های دیوان، نخستین اشاره به مفهوم عدالت بین‌نسلی توسط قاضی *ویرماتری* در نظریه مربوط به قضیه *تحدید مرز دریایی دانمارک و نروژ* صورت گرفت. وی اظهار داشت که

70. *Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain)*; Preliminary Objections, International Court of Justice (ICJ), 24 July 1964.

۷۱. ماده ۴۸ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱):

۱. هر دولتی غیر از دولت زیان‌دیده (تأکید افزوده شده) حق استناد به مسئولیت دولت دیگر مطابق با پاراگراف ۲ را دارد اگر:
(الف) تعهد نقض‌شده مربوط به تعهدی در برابر گروهی از دولت‌ها از جمله آن دولت بوده و برای حمایت از منافع جمعی آن گروه ایجاد شده باشد، یا

(ب) تعهد نقض‌شده مربوط به تعهد در برابر کل جامعه بین‌المللی باشد.

۲. دولتی که طبق پاراگراف ۱ حق استناد به مسئولیت دولت دیگر را دارد می‌تواند:

(الف) توقف عمل متخلفانه بین‌المللی و تأمین و تضمین به عدم تکرار آن را طبق ماده ۳۰ بخواهد، و

(ب) مطابق مواد قبلی، اجرای تعهد به پرداخت غرامت به نفع دولت زیان‌دیده یا ذی‌نفعان تعهد نقض‌شده را بخواهد.

اصل انصاف بین‌نسلی «می‌تواند بر استفاده فزاینده دیوان بین‌المللی دادگستری از اصول منصفانه به منظور رسیدن به نتیجه‌ای که به نظر دیوان منصفانه و عادلانه است بنا شود».^{۷۲}

پس از آن بود که دیوان بین‌المللی دادگستری بار دیگر در قضیه آزمایش‌های هسته‌ای (۱۹۹۵) به این مسئله پرداخت و درخواست نیوزلند در خصوص اعمال صلاحیت بر مسئله آزمایش‌های هسته‌ای زیرزمینی فرانسه را نپذیرفت. در این دعوا نیوزلند مدعی بود که فرانسه با آزمایش‌های هسته‌ای زیرزمینی، حقوق بین‌الملل را نقض کرده است اما دیوان دعوی نیوزلند را رد کرد.^{۷۳} در این قضیه، دو تن از قضات دیوان که مخالف نظر اکثریت بودند بر نقش و اهمیت انصاف بین‌نسلی تأکید کردند. یکی از آن قضات، مجدداً قاضی ویرمانتری بود که اعلام کرد: «قضیه پیش روی دیوان، برخلاف تمام قضایایی که تا کنون در منظر دیوان بوده، مسئله اصل انصاف بین‌نسلی - این اصل مهم و سریعاً توسعه‌یافته حقوق محیط‌زیست معاصر - را پیش کشیده است... شکایت نیوزلند مبنی بر اینکه حق این دولت متأثر شده است صرفاً به حق مردمی که اکنون وجود دارند مربوط نمی‌شود. حق‌های مردم نیوزلند شامل حق‌های پسینیان متولد نشده نیز هست... این بُعدی مهم از ماجراست که نباید از آن غفلت کرد».^{۷۴}

در یک قضیه مشورتی نیز دیوان فرصتی یافت تا درباره انصاف بین‌نسلی اظهار نظر کند. دیوان بین‌المللی دادگستری در ۱۹۹۶ و متعاقب سؤال مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نظر مشورتی خود را در قضیه قانونی بودن تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای صادر کرد و در بخشی از آن به مسئله عدالت بین‌نسلی پرداخت.^{۷۵} دیوان در نظر مشورتی خود در این قضیه صراحتاً به منافع نسل‌های آینده اشاره و بیان کرد: «بر دیوان واجب است که خصوصیت‌های ویژه سلاح‌های هسته‌ای و بخصوص... توانایی آن‌ها در ورود خسارت به نسل‌های بعدی را در نظر داشته باشد».^{۷۶} قاضی ویرمانتری در نظر مخالف خود در این قضیه به بحث از ورود خسارت به نسل‌های آینده پرداخت و اعلام کرد: «در این زمینه باید متذکر شد که حق نسل‌های آینده، زمانی که صرفاً حقی جنینی و در تنازع برای بقا بودند پا به عرصه گذاشتند. این حق‌ها خود را از طریق

72. *Maritime Delimitation in the Area between Greenland and Jan Mayen (Denmark v. Norway)*, Judgment of 14 June 1993, I.C.J. Rep. 1993, p. 38, Judge Weeramantry, Separate Opinion at 277.

73. *Request for an Examination of the Situation in Accordance with Paragraph 63 of the Court's Judgment of 20 December 1974 in the Nuclear Tests (New Zealand v. France) Case*, ICJ Reports 1995, p. 288.

74. *Request for an Examination of the Situation in Accordance with Paragraph 63 of the Court's Judgment of 20 December 1974 in the Nuclear Tests (New Zealand v. France) Case*, Order of 22 September 1995, Dissenting Opinion by Judge Weeramantry, pp. 341-342.

دومین قاضی مخالف که به اصل «انصاف بین‌نسلی» پرداخت، سیر جفری پالم بود که به‌عنوان قاضی اختصاصی در این قضیه حاضر شده بود. ن.ک:

Dissenting Opinion by Judge *ad hoc* Sir Geoffrey Palmer, p. 409.

75. *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, Advisory Opinion, ICJ Reports 1996, p. 226.

76. *Ibid.*, p. 244.

معاهدات اساسی، نظرات حقوق‌دانان و اصول کلی حقوق مقبول ملل متمدن وارد حقوق بین‌الملل کرده‌اند».^{۷۷}

نیز در قضیه کارخانه خمیر کاغذ، قاضی کانسادو ترینداد به نوشتاری مفصل در مورد اصل انصاف بین‌نسلی چنین اظهار داشت: «امروزه در ۲۰۱۰ به‌سختی می‌توان در این امر شک داشت که انصاف بین‌نسلی از مؤلفه‌های متشکله خرد رایج در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است».^{۷۸} متعاقباً در قضیه صید نهنگ در قطب جنوب، قاضی ترینداد بار دیگر فرصت را مناسب دید و مفهوم عدالت بین‌نسلی در محیط‌زیست را بیشتر توضیح داد و در نظر جداگانه خود بیان کرد که «امروزه عملاً انصاف بین‌نسلی در بسیاری از اسناد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، و در واقع حقوق بین‌الملل عمومی معاصر نمودار شده است».^{۷۹}

آرای دیوان بین‌المللی دادگستری و نظرات انفرادی قضات دیوان نشان از این دارد که مفهوم عدالت بین‌نسلی در حوزه محیط‌زیست توانسته جایی در مباحث حقوقی بین‌المللی، آن هم در بالاترین مرجع قضایی جهان باز کند. با این حال، این بدان معنا نیست که انصاف بین‌نسلی اکنون یکی از قواعد لازم‌الاجرای حقوق بین‌الملل معاصر شده است. به تعبیر دیگر، نظرات مؤید این اصل تا کنون نتوانسته‌اند اکثریت قضات دیوان را قانع کنند و به همین جهت همیشه در سطح نظرات مخالف و جداگانه مانده‌اند. به‌علاوه، تنها ارجاع به این «اصل» در خود آرای دیوان در یک نظر مشورتی بوده است که شرح آن گذشت و این نظرات اصولاً الزام‌آور نیستند.

نظر به اهمیت نظر جداگانه قاضی کانسادو ترینداد در قضیه صید نهنگ (۲۰۱۴) و بحث مفصلی که در زمینه انصاف بین‌نسلی کرده، خوب است به قسمت‌های مهم آن اشاره شود.

نظر جداگانه قاضی ترینداد در خصوص عدالت بین‌نسلی در پرونده صید نهنگ:^{۸۰}

قاضی ترینداد در نظر جداگانه خویش در مورد رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه صید نهنگ بیان کرده است که هدف عینی معاهده ۱۹۴۶ در خصوص صید نهنگ، حفاظت از جانداران دریایی برای نسل حاضر و آینده و بهبود صنعت نهنگ است. این هدف فراتر از رابطه دوجانبه دولت‌ها و به‌نوعی تضمین منافع جمعی کشورها است. وی معتقد است که عنوان انصاف و عدالت بین‌نسلی در هدف حفاظت از گونه‌های نهنگ در جهت منافع نسل‌های آینده بشری نهفته است.^{۸۱}

77. *Ibid.*, p. 455 (Judge Weeramantry, Dissenting Opinion).

78. *Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay)*, Judgment, ICJ Reports 2010, p. 14, Separate Opinion of Judge Cançado Trindade, para. 122.

79. *Whaling in the Antarctic (Australia v. Japan; New Zealand intervening)*, Judgment, ICJ Reports 2014, p. 266, Separate Opinion of Judge Cançado Trindade, para. 47.

80. *Whaling in the Antarctic (Australia v. Japan: New Zealand intervening)*, ICJ. Reports 2014. Separate Opinion, Judge Cançado Trindade p. 348.

۸۱. رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین، مهرداد محمدی و محمد حسینی؛ «تأملی بر وضعیت حقوقی دولت‌ها در استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت با تأکید بر قضیه صید نهنگ» *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۶۴.

جالب اینکه سازمان ملل متحد در ۱۹۸۸ و در پاسخ به نگرانی‌های جامعه جهانی یک کمیته مشورتی تشکیل داده تا درباره میراث فرهنگی و طبیعی بررسی کرده، راه‌حلهایی ارائه دهد. *ترینداد* با اشاره به همین کمیته می‌گوید: «می‌توانم به خاطر بیاورم که موضوع مورد بحث، ابتدا توسط کمیته مشورتی دانشگاه ملل متحد^{۸۲} (UNU) در مورد پروژه‌های با این موضوع در اوایل ۱۹۸۸ مطرح شد تا پاسخی نوآورانه به علت افزایش نگرانی‌ها در خصوص منابع طبیعی و تخریب کیفیت محیط‌زیست و لزوم نیاز به حفظ میراث طبیعی و فرهنگی (در همه سطوح، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، دولتی و غیردولتی) ارائه دهد».^{۸۳}

کمیته مشورتی متشکل از استادان قاره‌های مختلف،^{۸۴} در جزیره گوا/هند،^{۸۵} در ۱۵ فوریه ۱۹۸۸ تشکیل شد و سندی نهایی با عنوان «دستورالعمل‌های گوا» در مورد عدالت بین‌نسلی» یا به عبارتی «اصول راهنما درباره عدالت بین‌نسلی» را منتشر کرد که به اصول راهنمای گوا مشهور است. در این سند بیان شده است: با تدوین نظریه «انصاف بین‌نسلی» به این می‌رسیم که همه اعضای هر نسل از بشریت به‌عنوان یک گونه، یک میراث طبیعی و فرهنگی را از نسل‌های گذشته به ارث می‌برند که چه به‌عنوان ذی‌نفع و بهره‌بردار و چه به‌عنوان متولی و نگهبان، وظیفه انتقال این میراث را به نسل‌های آینده دارند. مهم‌ترین نکته اصلی این تئوری این است که هر نسل، حق بهره‌مندی از این میراث طبیعی و فرهنگی را به‌صورت مجزا دارد اما باید متعهد باشد که به گونه‌ای از این میراث بهره‌برداری کند که در شرایط بدتری نسبت به شرایطی که در نسل زمان خود داشته قرار نگیرد. یعنی این میراث را به گونه‌ای به نسل‌های آینده منتقل کند که در وضعیت بدتری نسبت به دوران خود و میراثی که از نسل‌های گذشته خود دریافت کرده قرار نداده باشد. این امر مستلزم حفظ و در صورت لزوم، افزایش کیفیت و تنوع این میراث است. همچنین حفظ تنوع فرهنگی به اندازه حفظ تنوع محیطی - روانی برای اطمینان از دسترسی نسل‌های آینده به میراث دارای اهمیت است.

مخصوصاً باید گفت که اصل عدالت بین‌نسلی مستلزم حفظ تنوع و کیفیت منابع بیولوژیکی است. اصول عدالت حاکم بر روابط بین نسل‌ها و عدالت بین‌نسلی به منافع ارزشمند نسل‌های گذشته، حال و آینده مربوط می‌شود و منابع طبیعی و فرهنگی را پوشش می‌دهد. از این رو بین حقوق بشر و عدالت بین‌نسلی رابطه مکمل وجود دارد و این دو تکمیل‌کننده هم هستند. این سند (UNU) در واقع به ارائه راهکارهایی برای اجرای عدالت و تعهدات بین‌نسلی پرداخته است و از زمان تنظیم آن، اولین مطالعات در مورد موضوع خاص عدالت بین‌نسلی در چارچوب مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست آغاز شده

82. United Nations University

83. Separate Opinion of Judge Cançado Trindade, *op.cit.*, para 42.

84. Namely, Professors E. Brown Weiss, A. A. Cançado Trindade, A.-Ch. Kiss, R. S. Pathak, Lai Peng Cheng and E. W. Ploman.

85. In the meeting held in Goa, India, convened by the United Nations University (UNU).

است.^{۸۶}

نتیجه

مفهوم عدالت بین‌نسلی در بهره‌برداری از محیط‌زیست، بیشتر به معنای حفاظت اخلاقی از محیط‌زیست تلقی می‌شد اما رفته‌رفته در کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های متعدد بین‌المللی و نیز در رویه‌قضایی بین‌المللی به آن اشاره و استناد شده است. لکن هنوز جایگاه یک اصل حقوقی را در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست موجود پیدا نکرده است.

در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و بسیاری از معاهدات در این حوزه، عنصر زمان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حقوق نسلی به شمار می‌رود اما به دلیل مبهم‌بودن مفهوم نسل و زمان‌مندی در عدالت بین‌نسلی، همچنین عدم سازگاری آن با سیاست‌های راهبردی محیط‌زیستی دولت‌ها، اصل عدالت بین‌نسلی هنوز نتوانسته است جایگاه یک قاعده بین‌المللی مستقر در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست موجود را به دست آورد. شاید مهم‌ترین و بهترین راه‌حل، شفاف‌کردن حقوق نسل‌های آینده در سیاق عدالت بین‌نسلی، ایجاد سازوکار در نحوه بهره‌برداری از منابع محیط‌زیست و نیز پدیدآوردن و تقویت نهادهای نظارتی ملی و بین‌المللی در راستای شناسایی حقوق نسل‌های آینده و مفهوم عدالت بین‌نسلی باشد.

عدالت بین‌نسلی ارتباط مستقیم و متقابل با توسعه پایدار نیز دارد و رعایت حق بر محیط‌زیست سالم باید بر توسعه پایدار حکومت کند. از این‌رو به نظر می‌رسد هر دو باید در یک حرکت هدف‌مند جهت تضمین و تثبیت حق توسعه و حفظ محیط‌زیست نسل حاضر و رعایت حق بر محیط سالم و متوازن و نیازها و منافع نسل‌های آینده باشند و مفهومی جدید را در حقوق بین‌الملل به نام «حق نسل‌های آینده» تثبیت و تحکیم کنند.

این همه تأکید بر این مفهوم در نظرات دیوان و خصوصاً اهتمام سازمان ملل برای تشکیل کمیته مشورتی برای توسعه و بررسی مفهوم انصاف بین‌نسلی در اوایل ۱۹۸۸ و اصول راهنمای این کمیته (موسوم به *گودا*) حکایت از توجه جدی دو رکن اصلی جامعه بین‌المللی (سازمان ملل - دیوان بین‌المللی دادگستری) می‌کند و نشان می‌دهد که راه برای ورود مفهوم عدالت بین‌نسلی به‌عنوان «قاعده جدید در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست آینده» رفته‌رفته هموارتر شده است.

86. *Whaling in the Antarctic (Australia v. Japan: New Zealand intervening)*, ICJ. Reports 2014. *op.cit.*, p. 351.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

- ایران‌نژاد پاریزی، فاطمه؛ توسعه پایدار و میراث بومی - محلی در حقوق بین‌الملل، میزان، ۱۳۹۵.
- ترنر، گری و همکاران؛ اقتصاد محیط‌زیست، ترجمه: سیاوش دهقانیان، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۴.
- کک دین، نگوین، پاتریک دیبه و آلن پله؛ حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه، مقدمه و پیوست‌ها: حسن حبیبی، اطلاعات، جلد دوم، ۱۳۸۲.

- مقاله

- پورهاشمی، سیدعباس، فرهاد دبیری، یلدا خلعتبری و سحر زارعی؛ «شکل‌گیری و توسعه مفهوم حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره ۱۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵.
- دبیری، فرهاد، سیدعباس پورهاشمی و روستا فخرالضحی؛ «بررسی اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با نگاهی به توسعه پایدار»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره یازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و حسن شفیق‌فرد؛ توسعه پایدار و حق بر محیط‌زیست سالم: چشم‌انداز نسل‌های آینده، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، مهرداد محمدی و محمد حسینی؛ «تأملی بر وضعیت حقوقی دولت‌ها در استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت با تأکید بر قضیه صید نهنگ» مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶.
- محسن محبی و وحید رضادوست؛ «تفسیر تکاملی معاهدات در حقوق بین‌الملل در پرتو قضیه اختلاف در خصوص کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن (کاستاریکا علیه نیکاراگوئه)»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال سی‌ودوم، شماره ۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.

ب. انگلیسی

- Books

- Chet Tremmel, Joerg, *Handbook of Intergenerational Justice*, Edward Elgar Publishing, 2006.

- Dupuy, Pierre-Marie, and Jorge E. Viñuales. *International Environmental Law*. 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press, 2018. doi:10.1017/9781108399821.
 - French, Duncan and Kotzé, Louis J., *Sustainable Development Goals: Law, Theory and Implementation*, Edward Elgar Publishing, 2018.
 - Islam, Nahid, *The Law of Non-navigational Uses of International Watercourses: Options for Regional Regime – Building in Asia*, Kluwer Law International, 2010.
 - Malthus, Thomas Robert, Niall O’Flaherty, Deborah Valenze, E. A. Wrigley, Kenneth Binmore, and Karen O’Brien. *An Essay on the Principle of Population: The 1803 Edition*. Edited by Stimson Shannon C. New Haven; London: Yale University Press, 2018. Accessed August 23, 2021. <http://www.jstor.org/stable/j.ctv1bvnf95>.
 - Partridge, Ernest, *Responsibilities to Future Generations: Environmental Ethics*, Prometheus Books, 1980.
 - Roemer, J. and Suzumura, K., *Intergenerational Equity and Sustainability*, Palgrave Macmillan UK, 2007.
 - Rawls, John, *A Theory of Justice*, Revised Edition, Cambridge: The Belknap Press of Harvard University Press, 1999.
 - Schrijver, Nico, *Sovereignty over Natural Resources: Balancing Rights and Duties*, Cambridge University Press, 2008.
 - Schrijver, Nico J. and Weiss, Friedl, *International Law and Sustainable Development: Principles and Practice (Developments in International Law)*, Martinus Nijhoff Publishers, 2004.
- Articles**
- Weiss, Edith Brown, "In Fairness to Future Generations and Sustainable Development", *American University International Law Review*, Vol. 8, Issue 1, 1992.
 - -, "Climate Change, Intergenerational Equity, and International Law", *Vermont Journal of Environmental Law*, Vol. 9, 2008.
 - Weiss, Edith Brown, "Intergenerational Equity", *Max Planck Encyclopedia of Public International Law* (R. Wolfrum, ed.), Oxford University Press, 2012.
 - Weiss, Edith Brown, "Establishing Norms in a Kaleidoscopic World. General Course on Public International Law", *RCADI*, 2019.
 - Williams, David. "Adam Smith and Colonialism." *Journal of International Political Theory*, 2014. Vol. 10, Issue 3: <https://doi.org/10.1177/1755088214539412>.
 - Wood, Stepen, "Transboundary Harm in International Law: Lessons from the Trial Smelter Arbitration", *Osgoode Hall Law Journal*, Vol. 45, No. 3, 2007.

- Instruments

- Convention Concerning the Protection of the World Cultural-UNESCO World Heritage Center.
- Convention on Biological Diversity 1992, RIO
- Convention on the Conservation of Migratory Species of Wild Animals CMS-BON (1979).
- Delhi Declaration on Principles of International Law Relation to Sustainable Development, April 2002.
- London Convention on the Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and Other Matter, 1972.
- The Strasbourg Resolution 1975, Article 3, about Final Resolution of the Economic United Nations Conference on the Man and Environment (Stockholm Declaration) Stockholm- 1972.
- Vienna Convention for the Protection of the Ozone Layer, 1985.

- Cases

- *Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain); Preliminary Objections*, International Court of Justice (ICJ), 24 July 1964.
- *Maritime Delimitation in the Area between Greenland and Jan Mayen (Denmark v. Norway)*, Judgment of 14 June 1993, I.C.J. Rep. 1993 , Judge Weeramantry, Separate Opinion at 277.
- *Whaling in the Antarctic (Australia v. Japan: New Zealand Intervening)*, *Separate Opinion*, Judge Cançado Trindade, ICJ Report, 2014.